



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۱ آذر ۱۴۰۲

مصادف با: ۸ جمادی الاول ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تقسیمات پول - بررسی تطبیقی اقسام پول در عصر اسلامی -

۱. پول فلزی در عصر اسلامی - ادوار پول فلزی در عصر اسلامی - دوره سوم - مرحله اول - مرحله دوم

جلسه: ۱۳

۲. پول حقیقی در عهد اسلامی - ۳. پول اعتباری در عهد اسلامی - ۴. پول نقد و بدهی در عهد اسلامی

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم از اقسامی که برای پول به اعتبار سیر تکاملی آن پدید آمده، تنها پول فلزی را می‌توان در عهد اسلامی و دوران اولیه اسلام از زمان پیامبر(ص) تا زمان غیبت، ردیابی کرد. پولی که در آن دوران رواج داشت، پول فلزی بود، یا به صورت درهم یا به صورت دینار. لکن این پول فلزی در عصر تشریح سه دوره و سه مرحله را طی کرده است؛ در جلسه گذشته به دو مرحله اشاره کردیم. البته می‌تواند مراحل تغییر پول فلزی از جنبه‌های دیگر هم مورد ملاحظه قرار گیرد، اما ما بیشتر به این جهت توجه داریم که این پول در یک مقطعی دقیقاً همان پولی بود که در ایران و روم رایج بود و عیناً همان در بلاد اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت و حتی اگر هم ضرب پول صورت می‌گرفت، باز با همان نشان‌ها این کار انجام می‌شد؛ سکه‌ها و دینار و درهم با نقوش کسروی و قیصری، هم مورد استفاده بود و هم ضرب می‌شد. در دوره دوم اختلاطی بین این نقوش و نشانه‌ها پیش آمد؛ منشأ زمانی این دوران، سنه ۱۸ قمری بود که در آن سال عده‌ای از بصره نزد خلیفه دوم آمدند و بنا بر ملاحظات و مشکلاتی که با آن مواجه بودند، تقاضای سکه‌هایی کردند با نشان حداقلی از دوره اسلامی. لذا همانطور که گفتیم، علاوه بر نشان کسری و قیصر، بعضی از سکه‌ها با عباراتی مثل «الحمد لله» یا «لا اله الا الله» مزین شد؛ هر دو در این سکه‌ها بعضاً یافت می‌شد و این امتداد پیدا کرد.

دوره سوم

دوره سوم، دوره‌ای است که به طور کلی نشان‌های غیراسلامی از پول فلزی حذف شد و تماماً نشان اسلامی و آنچه که می‌توانست معرف کشور اسلامی باشد، روی پول‌های فلزی حک شد. مجموع مطالبی که مورخین در این باره نوشته‌اند، اگر مورد توجه قرار بگیرد می‌توانیم دوره سوم را هم به دو مرحله تقسیم کنیم:

مرحله اول: مرحله‌ای است که کار ضرب سکه‌های تماماً اسلامی به نحوی که نقوش قیصری و کسروی از آن حذف شود، آغاز شد اما به صورت محدود و در یک مدت کوتاه و خیلی دوام پیدا نکرد.

مرحله دوم: که طی آن بنا بر این گذاشته شد که سکه‌های غیراسلامی کنار رود و به صورت عمومی و در سطح وسیع اقدام به ضرب سکه‌های دارای نقوش اسلامی شد و کم‌کم استفاده از آنها فراگیر شد.

مرحله اول

مرحله اول را حدود سال ۳۸ هجری تا ۴۰ نقل کرده‌اند؛ در آن سال‌ها امیرالمؤمنین علی(ع) سکه‌هایی را ضرب کردند که به طور کلی آثار غیراسلامی از آنها محو شد و تماماً با عباراتی مثل «لا اله الا الله وحده لا شریک له» یا «الله الصمد لم یلد و لم

یولد و لم یکن له کفوا احد» یا «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» ضرب شد؛ منتهی محدود بود. این در کنار سکه‌های دیگر، کم‌کم مورد استفاده مردم قرار گرفت. اینکه عرض می‌کنم دو مرحله، برای این است که برخی از تاریخ‌نویسان، زمان آغاز ضرب سکه‌های اسلامی را حدوداً سال ۷۴ تا ۷۷ یعنی زمان عبدالملک بن مروان نقل کرده‌اند؛ اما این تا قبل از اکتشافاتی بود که طی آن وجود سکه‌های با نقوش کاملاً اسلامی را در سال ۴۰ هجری بدست بیاورند؛ چون در بعضی از منابعی که در جلسه گذشته نام برده شد، به نقل از برخی از مورخان وجود سکه‌هایی را که بر روی آن سال ضرب و محل ضرب آن حک شده، تأیید کرده‌اند که مثلاً در بصره سال ۴۰ هجری این سکه ضرب شده است. لذا وقتی با این یافته‌ها مواجه شدند، تجدید نظری در برخی از آراء گذشته مورخان صورت گرفت و آغاز ضرب سکه‌های کاملاً اسلامی را در این زمان دانسته‌اند. بنابراین در آن مقطع، این کار صورت گرفت لکن عمومی و فراگیر نشد؛ این آغاز کار بود، اولاً به صورت محدود شروع شد و بعد هم چون دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع) طولانی نشد، بعد از مدتی متوقف شد و دیگر ادامه پیدا نکرد.

البته اینکه چرا تا قبل از آن به این مسأله اهمیتی دیده نمی‌شود که به طور کلی این سکه‌ها را از میان بردارند، دلایل مختلفی می‌توان برای آن ذکر کرد؛ اولاً در سال‌های بعد از رحلت پیامبر (ص)، خلفا مخصوصاً خلیفه دوم درگیر فتوحات شدند، جنگ‌ها و مقاتله‌های فراوانی پیش آمد که ذهن آنها را منصرف کرد از این مسأله، لذا خیلی اهمیتی به این نشان داده نشد. به علاوه، گستردگی و پراکندگی بلاد اسلامی باعث می‌شد حجم استفاده زیاد باشد؛ لذا چندان به این مسأله توجه نکردند. حتی اوایل حکومت امویان هم سکه‌هایی را که ضرب می‌کردند، سکه‌های کسروی و قیصری بود؛ همان سکه‌ها را گاهی ضرب می‌کردند، مخصوصاً در مناطق شرقی به گفته مورخان. این آغاز زمان ضرب سکه با نقوش کاملاً اسلامی است؛ اما این مرحله کوتاه بود.

مرحله دوم

مرحله دوم که آغاز ضرب سکه‌های اسلامی به صورت گسترده و فراگیر است. از آن زمان به طور جدی بنا را بر حذف سکه‌های قیصری و کسروی گذاشتند و حتی مجازات تعیین کرده بودند برای کسانی که اقدام به ضرب این سکه‌ها می‌کردند. چون ضرب سکه در آن زمان در انحصار حکومت نبود؛ دارالضرب‌هایی بودند که اقدام به ضرب سکه می‌کردند و خیلی از مردم گاهی طلا و نقره‌هایشان به دارالضرب می‌بردند و آنها را تبدیل به مسکوکات می‌کردند، یا دینار یا درهم؛ یک اجرت و مزدی به دارالضرب‌ها می‌دادند تا این تبدیل به سکه شود. بعد که قرار شد این سکه‌ها حذف شود، برای کسانی که اقدام به ضرب سکه‌های قیصری کسروی می‌کردند، مجازات قرار داده بودند.

در زمان عبدالملک بن مروان، براساس نقل برخی کتاب‌ها، ماجرای پیش آمد که این فکر به مرحله عمل آمد و به نحو جدی دنبال شد. اینکه چرا عبدالملک بن مروان این کار را کرد، اینطور نقل کرده‌اند که یک نامه‌ای به دست عبدالملک بن مروان رسید که در آن علائم و نشانه‌های رومی و مسیحی بود؛ شعار آب و این و روح القدوس در آن کاغذ به عنوان یک نشان ثبت و ضبط شده بود؛ او با مشاهده این نامه تصمیم گرفت به این مسأله خاتمه بدهد. بالاخره آنها به ظواهر اسلامی توجه می‌کردند اما منش و مشی آنها غیراسلامی بود. دستور داد که هیچ کسی در مملکت اسلامی حق ندارد از نمادهای مسیحی بر روی

لباس‌ها و کاغذها و نامه‌ها استفاده کند، و الزاماً از شعارهای دینی باید استفاده شود. خبر این ماجرا به پادشاه روم رسید و او متقابلاً تهدید کرد که سکه‌هایی را که در روم ضرب می‌شود و در بلاد اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، با نقش توهین به پیامبر(ص) منتشر خواهد کرد؛ یعنی تهدید کرد که به عنوان عکس‌العمل این کار، ما سکه‌هایی را ضرب می‌کنیم که بر روی آن، توهین به پیامبر(ص) حک شده باشد. عبدالملک بن مروان با امام باقر(ع) مشورت کرد و نتیجه این شد که به طور کلی اقدام به ضرب سکه‌های خاص مملکت اسلامی با نمادها و نقوش اسلامی شود و به طور کلی استفاده از مسکوکات قیصری و رومی ممنوع شود. لذا اینکه از این مقطع بعضاً در کتاب‌های تاریخی به عنوان زمان آغاز ضرب سکه‌های اسلامی یاد شده، به این دلیل است که هم استفاده از مسکوکات غیراسلامی ممنوع شد و هم به صورت گسترده و فراگیر، ضرب این سکه‌ها آغاز شد و از آن به بعد دارالضرب‌ها شروع کردند به ضرب این سکه‌ها و حتی برای کسانی که ضرب سکه‌های قدیمی می‌کردند، مجازات قرار دادند.

البته در دوران‌های مختلف و پادشاهان مختلف تغییراتی در آن پیدا شد. اینکه بعضی از این سکه‌ها اسم خلیفه روی آن درج شده بود یا نه، اینها نیاز به تحقیقات تاریخی بیشتر دارد. خلفای اموی معمولاً نام خودشان را بر روی سکه‌ها درج نمی‌کردند؛ آن موقع هنوز شاید این مرسوم نشده بود. اما خلفای عباسی نام خودشان را بر روی سکه‌ها حک می‌کردند؛ شاید اولین خلیفه‌ای که نام او بر روی سکه حک شده، مهدی عباسی است که تا مدت زیادی ادامه پیدا کرد. بعد در زمان علی بن موسی الرضا(ع) که ولیعهد مأمون بود، بر روی سکه‌ها نام حضرت رضا(ع) هم ضرب می‌شد، البته از این کار اهداف خاصی را تعقیب می‌کردند. ابوالفرج اصفهانی در الأغانی می‌گوید: وقتی دعبل آن قصیده مشهور خودش را برای حضرت رضا(ع) قرائت کرد، امام رضا(ع) ده هزار درهم از درهم‌هایی که نام حضرت رضا(ع) بر روی آن حک شده بود، به همراه یک خلعت به دعبل داد. معلوم می‌شود سکه در آن زمان با نام حضرت رضا(ع) ضرب شده بود. البته بعضی از نویسندگان نوشته‌اند در سال ۱۳۷۰ هجری قمری (که تقریباً ۷۵ سال پیش می‌شود) این سکه را در موزه حضرت رضا(ع) دیده‌اند. همین روش تا پایان دوران تشریح ادامه پیدا کرد، که غیبت امام عصر(ع) باشد.

پس دوره سوم خودش به دو مقطع تقسیم می‌شود که ما هر دو مقطع را اجمالاً توضیح دادیم.

این یک گزارش اجمالی از پول فلزی در عصر اسلامی بود، و یک توضیح مختصری درباره تطورات این پول؛ البته این را عرض کنم که ما الان وارد بحث از ارزش مبادله‌ای این پول‌ها نمی‌شویم که حالا مثلاً درم چند گرم نقره داشت، دینار چند گرم طلا داشت؛ بعد تغییراتی که از ابتدا تا انتها در این ۲۵۰ سال پیدا کرد چقدر بود؛ مهم‌تر از این، رابطه قیمتی اینها یا رابطه وزنی اینها، اینها در برخی کتاب‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، آمده و بعضاً روایاتی را ذکر کرده‌اند که براساس آن روایات، حتی نرخ برابری اینها معلوم شده که مثلاً اگر دیه فلان چیز این مقدار است، اگر قرار است این مقدار دینار بدهد، اگر ندارد چقدر درم بدهد، در برخی روایات می‌توان نرخ برابری یا به تعبیر دقیق‌تر رابطه قیمتی و وزنی دینار و درم را ردیابی کرد. این یک رابطه ثابتی هم نبوده؛ این رابطه متغیر شده و تغییر آن هم چه بسا عمدتاً براساس عواملی بود که در جلسه گذشته اشاره شد؛ یعنی تقاضا تعیین کننده بود در این رابطه و نسبت؛ درصد فلزی که برای مسکوک استفاده می‌کردند تأثیر داشت و نیز عیار آن فلز، اینها عوامل تأثیرگذار در ارزش خود این پول فلزی و رابطه قیمتی و وزنی این دو بودند. البته تقلب هم

همیشه بشر راهش را پیدا می‌کند؛ یعنی هر قانون و هر محدودیتی اعمال می‌شود برای جلوگیری از غش و تقلب و فریب، باز یک راهی پیدا می‌کنند. البته مهم این است که راه‌ها چه میزان درصد این کار را کم کند؛ همین حالا هم گاهی بعضی برنامه‌ها و قوانین، احتمال و ضریب این کار را بالا می‌برد و بعضی برنامه‌ها به حداقل می‌رسانند؛ متولیان باید هر برنامه‌ای تدوین می‌کنند به این جهت توجه داشته باشند که امکان این مسأله را به حداقل برسانند. طبع بعضی از قوانین و مقررات و برنامه‌ها اقتضا می‌کند که راه‌های فریب و تقلب فراوان باشد؛ اما بعضی برنامه‌ها و قوانین این چنین نیست.

به هر حال موضوع بحث، بررسی تطبیقی اقسام پول در عهد اسلامی بود؛ ببینیم از این اقسامی که ما برای پول ذکر کردیم، کدام نوع در عصر اسلامی وجود داشت. در تقسیم اول ملاحظه فرمودید از این اقسام فقط پول فلزی در آن دوران بود، و انواع و اقسام پول‌های دیگر اینجا وجود نداشت.

۲. پول حقیقی در عصر اسلامی

تقسیم دوم، تقسیم پول به پول حقیقی و اعتباری بود؛ از جهتی می‌توان گفت در دوران اسلامی پول اعتباری وجود نداشت و هر چه بود پول حقیقی بود. پول حقیقی را تعریف کردیم؛ پول حقیقی عبارت از پولی است که هم دارای ارزش مصرفی و استعمالی است و هم دارای ارزش مبادله‌ای. اما پول اعتباری فقط و فقط ارزش مبادله‌ای دارد و ارزش مصرفی ندارد، یا اگر داشته باشد بسیار ناچیز است. البته برخی هم می‌گویند اساساً پول اعتباری پولی است که ارزش مصرفی آن در ارزش مبادله‌ای است. درست است ما در پول حقیقی هم با اینکه ارزش مصرفی دارد می‌بینیم ارزش مصرفی نادیده گرفته می‌شود. در پول حقیقی، با آنکه دارای ارزش مصرفی است اما کأن این ارزش مصرفی مغفول عنه است و اساساً مورد توجه نیست. نمک و برخی کالاها اینطور بودند؛ طلا و نقره هم اینطور بودند. اینکه من می‌گویم شاید برای همین سال‌های اخیر باشد که در برخی کشورهای افریقایی هنوز مثلاً با نمک مبادله صورت می‌دهند و پول حقیقی آنها نمک است. در بعضی مناطق ممکن است هنوز این وجود داشته باشد. در دوران اسلامی پول مورد استفاده قطعاً پول حقیقی بوده و پول اعتباری به معنای امروزی در آن زمان وجود نداشت.

ناگفته نماند ممکن است در آن دوران رسیدهایی که صرافان به امانت‌گذارندگان طلا و نقره می‌دادند، این هم تا حدودی جریان داشته است؛ بالاخره آن موقع این رسیدها، وجود داشت. آنچه در آن موقع استفاده می‌شد پوست حیوانات بود؛ البته الان خاطریم نیست، مثلاً گزارشی باشد که روی پوست حیوانات یا کاغذها به صورت رسید این پول مورد استفاده قرار گرفته باشد.

سؤال:

استاد: چک قطعاً نبوده، چک برای سال‌های اخیر است ...

رسیدها بیشتر آن موقع به این صورت بود که طلا و نقره‌ها را که امانت نزد صرافان می‌گذاشتند، رسید می‌گرفتند؛ گاهی گیرندگان این رسیدها، این رسید را نمی‌بردند همان موقع نزد صرافان و به ازاء آن طلا و نقره بگیرند؛ بلکه اگر صراف مورد اطمینان بود، همان را به دیگری بابت خرید یک کالایی می‌دادند و همینطور دست به دست می‌گشت. اگر ما اسم این را پول بگذاریم، می‌توانیم بگوییم این پول آن زمان هم تا حدودی جریان داشته، هر چند خیلی رایج نبود مثل پول فلزی. اینکه ما این را پول اعتباری بدانیم و بگوییم این رسیدها پول اعتباری است، نه، این رسیدها سند بودند؛ حالا یا سند دین یا سند تعهد، این

را در بخش بعدی و در بحث پول مطرح خواهیم کرد.

۳. پول اعتباری در عهد اسلامی

تقسیم سوم، تقسیم پول به انواع دلالتی و نظامی و... بود. البته مقسم این تقسیم، پول اعتباری است؛ این انواع چهارگانه، مقسم اینها پول اعتباری است. اگر از این منظر نگاه کنیم، پول اعتباری در آن زمان وجود نداشته است؛ مثل اسکناس‌های امروزی قطعاً نبود. اگر معادل‌سازی کنیم و بگوییم آن رسیده‌ها مثل چک بوده، بله، آن زمان بوده است.

۴. پول نقد و بدهی در عهد اسلامی

تقسیم چهارم، تقسیم پول به پول نقد و پول بدهی بود. تقسیم قبلی، تقسیم پول به اعتبار نشردهنده بود که گفتیم چهار نوع دارد؛ اما این تقسیم به اعتبار نقد و بدهی بودن، به دو قسم نقد و بدهی تقسیم می‌شود. پول نقد قطعاً در آن دوران بود، حالا بیشتر به صورت فلزی، و پول بدهی هم به همان بیانی که عرض کردم، در آن زمان اگر ما آن رسیدهایی که دست به دست می‌شد را به عنوان پول محسوب کنیم، طبیعتاً این هم در یک محدوده نه چندان گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. این یک بررسی اجمالی بود از وجود یا عدم وجود اقسام پول به اعتبارات مختلف در عهد اسلامی.

«والحمد لله رب العالمین»